

به موفق شدن کپنهاگ نکردند. آسیب روانی شکست لجستیکی، ضعف رهبری مقام ریاست، اعتماد خردشده در میان گروه‌های مذاکره‌کننده، و سرخوردگی کامل بازیگران بخش خصوصی و غیردولتی مذاکرات اقلیمی را به نتیجه‌ی صفر رساند. برخلاف نارسایی‌های کنفرانس کپنهاگ فرمول توافق سیاسی غیرمحدودیتی که شامل کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه می‌شود بذر کنفرانس پاریس را برای شش سال پس‌از آن کاشت؛ و آغازی شد برای فاز چهارم در سال ۲۰۱۵. فاز چهارم دارای شیوه‌ای افقی‌تر، گسترده‌تر و متعادل‌تر است. (Streck et al, 2016, p. 25)

### ۳. اجلاس کپنهاگ

قطار مبارزه با گرمایش زمین در سال ۲۰۰۹ به ایستگاه کپنهاگ رسید. سایه شکل قانونی بر مذاکرات دربارهی دوره بعد از ۲۰۱۲ که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، ادامه داشت. بسیاری امیدوار بودند که خروجی کپنهاگ یک پیمان باشد. ولی عدم توافق‌ها در مورد مسئله‌ی شکل قانونی پذیرش یک پیمان را غیرممکن کرد. ایالات متحده علاقه‌مند بود فقط دستگاه قانونی را بپذیرد که به‌طور متقارن همه‌ی اعضا را شامل می‌شود، و این درحالی بود که چین، هند و سایر دولت‌های بزرگ درحال توسعه، تمایل داشتند توافق قانونی را بپذیرند؛ که فقط الزامات کاهش انتشار را به‌طور انحصاری برای دولت‌های توسعه‌یافته وضع کند. راه‌حل این بود که قرار کپنهاگ را به شکل یک دستگاه بدون محدودیت ارائه دهند که مواد آن الزامات سیاسی هستند و نه قانونی. (Bodansky, 2016, p. 10) بودانسکی (۲۰۱۶) معتقد است که علی‌رغم همه‌ی ناامیدی‌ها، قرار کپنهاگ در نطفگی خودش، راه به سمت جلو را نمایان ساخت. در مقایسه با پروتکل کیوتو که اهداف کاهش انتشار را از طریق یک فرایند مذاکراتی جمعی بالا به پایین تعیین کرده بود؛ قرار کپنهاگ ساختاری پایین به بالا را ارائه کرد. که در قالب آن کشورها اهداف و اقدامات خود را ارائه می‌دادند و سپس آن‌ها را به‌صورت بین‌المللی ثبت می‌کردند. هم‌چنین در مقایسه با کیوتو قرار کپنهاگ تفاوت حاد بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را مضمحل کرد. برای اولین بار چین، هند، برزیل و سایر اقتصادهای